

جرم آدم ربایی

مؤلف:

دکتر مهرداد مهدی زاده

انتشارات قانون یار

۱۳۹۸

این اثر تقدیم به: مادر و برادران عزیزتر از جانم

فهرست مطالب

پیشگفتار

بخش نخست

ماهیت، سابقه جرم انگاری و ارکان آدم ربایی
و جرائم مشابه

بخش دوم

واکنش کیفری در قبال آدم ربایی و جرایم
مشابه

نتیجه گیری

پیشنهادات

منابع و مآخذ

پیشگفتار

نگارنده در این کتاب به جرم آدم ربایی در حقوق کیفری ایران و فقه امامیه پرداخته است. براساس فرضیات مطروحه در حقوق کیفری ایران از نظر عناصر مادی و معنوی تفاوت چندانی بین حقوق کیفری ایران و حقوق بین الملل وجود ندارد. در حقوق کیفری ایران تعدد واقعی و قاعده جمع مجازاتها مورد جرایم مرتکبه حین آدم ربایی پذیرفته شده در صورتی که این جرایم در اثر و یا در نتیجه آدم ربایی نباشد که در این صورت از علل مشدده مجازات می باشد. در این باب محدوده ی بررسی و تامل در قوانین

موضوعه ی ایران پیش از انقلاب و پس از آن و نیز فقه امامیه و کتب و رسالات ایشان خواهد بود و سپس به بررسی دیدگاه دکترین حقوق کیفری در مورد آدم ربایی و سایر جرائم مرتبط و مشابه پرداخته خواهد شد. از آنجایی که میان آدم ربایی و جرائم مرتبط مانند قاچاق انسان و فروش اعضای بدن ارتباط و نزدیکی وجود دارد و نیز رویه ی دادرسی در باب این جرائم در سیر قانونگذاری ایران دارای شدت و ضعف بوده است می توان موارد یاد شده را از مسائل ابهامی این باب شمرد که سعی در روشن نمودن آن در این مجال آرمان نگارنده است. این مسئله که

آدم ربایی در جهان امروز با هدف و انگیزه فروش انسان به سایر ملل به عنوان کارگر و برده و نیز قاچاق اعضای بدن وی و تجارت پر سود آن انجام می گیرد و نیز وهن و خوف ناشی از آن در سطح جامعه و ایجاد احساس ناامنی که قانونگذاری صحیح و برخورد عالمانه ی مجریان احکام را می طلبد ، از مواردی است که ضرورت پرداخت به این مسئله را تبیین می نماید.

الف) طرح سوالات مرتبط با این اثر علمی :

۱. ماهیت آدم ربایی نسبت به سایر جرایم مرتبط و مشابه چیست ؟
۲. در حقوق کیفری ایران با توجه به وجود چند قانون و ماده قانونی در زمینه جرم آدم ربایی

کدام یک قابلیت اعمال و استناد در احکام دادگاه ها را دارا هستند؟

۳. آیا در حقوق اسلام در برابر جرم آدم ربایی و جرایم مشابه حکمی وجود دارد؟

ب) فرضیه های مرتبط با این اثر علمی:

۱. به انتقال یک شخص بدون رضایت او از محلی به محل دیگر به وسیله زور، تهدید یا فریفتن آدم ربایی گفته می شود.

۲. عنصر قانونی جرم آدم ربایی در حقوق کیفری ایران مواد ۶۲۱ و ۶۳۱ قانون مجازات اسلامی است.

۳. در فقه امامیه همواره در برابر جرایمی که با ربایش انسان ارتباط دارند احکام سنگین در باب تعزیرات وارد شده است که افساد فی الارض از جمله ی آنان قلمداد می گردد .

پ) اهداف و کاربردهای این کتاب در جامعه حقوقی کشور

بهروران اصلی این نوشتار در وهله ی اول قانونگذار به منظور تدوین قوانین جامع و کامل برای شناسایی و ارائه ی تضمینات مناسب مرتبط با ماهیت آدم ربایی و جرایم مرتبط ، ایجاد ضمانت های اجرایی مناسب برای کنترل آن و جلوگیری از سوءاستفاده از برخی سودجویان از سکوت قانون و در مراحل بعد قوه قضائیه و

محاکم جهت دقت در عملکرد خویش نسبت به
صلاحیت ها و متضررین و بزه دیدگان از اعمال
ربایش و قاچاق انسان و اعضای وی و اختفاء آن
، جهت احقاق حقوق شهروندان در مواردی که
مورد اقدام به ارتکاب فعل مذکور می نمایند
همچنین دانشگاه ها و مراکز پژوهشی جرم
شناسی و حقوق کیفری و سایر مراکز تحقیقاتی و
پژوهشی که درخصوص موضوع حاضر اقدام به
تحقیق و بررسی می نمایند . پرونده های
بیشماری در زمینه آدم ربایی و قاچاق انسان
و اعضای وی امروزه در محاکم دادگستری مورد
دادرسی قرار دارند و این در کنار تشکیل

سازمانهای مجرمانه و باندهای تبهکاری در سطح بین‌المللی برای فروش انسان و اعضای او بر اهمیت موضوع حاضر می‌افزاید. لذا تبیین این مسئله و اینکه بر اساس چه یافته‌هایی از علوم جنایی می‌توان با این نهاد مجرمانه مبارزه نمود، مبین انگیزه‌ی نگارنده در جهت اثبات منطقی موضوع می‌باشد. مهمترین هدفی که این تحقیق مبتنی بر آن است بررسی ماهیت آدم‌ربایی و جرایم مشابه می‌باشد که در لوای آن مهمترین مسائل و موضوعات قانونی - فقهی مد نظر قرار خواهد گرفت. هدف کلی این بررسی رفع تشابهات میان جرایم متفاوت در این باب و

مشکلات موجود در جامعه حقوق و مراکز
دادگستری است .

بخش نخست

ماهیت، سابقه جرم انگاری و ارکان آدم

ربایی و جرائم مشابه

فصل نخست: ماهیت و سابقه جرم انگاری آدم ربائی و جرائم مشابه انسان در قرآن بسیار مورد احترام و بزرگداشت قرار گرفته و در آیات متعددی خداوند به تکریم وی فرمان داده است. آیه هفتاد سوره ی مبارکه ی اسراء می فرماید: «ولقد کرّمنا بنی آدم و حملناهم فی البرّ والبحر و رزقناهم من الطیبات و فضلناهم علی کثیر ممن خلقنا تفضیلاً» بدین معنا که «ما فرزندان آدم را بسیار گرامی داشتیم و آنها

را به مَرکب دریا و خشکی سوار کردیم و
ازهرغذای پاکیزه روزی دادیم و ایشان را بر
بسیاری از مخلوقات خود برتری و فضیلت
بخشیدیم.» آزادی انسان در روایات ائمه
معصومین علیهم السلام جزء خلقت و سرشت
انسان دانسته شده است که انسان بدون آن معنا
ندارد^۱. در سپهر حقوق بین الملل نیز اصول و
قواعد فراوانی بر حیثیت انسان و لزوم بهرمندی از
احترام و برابری تاکید می نماید. مواد فراوانی
از اعلامیه حقوق بشر و شهروند فرانسه (۱۷۸۹)،

^۱- فیض کاشانی، ملا محسن، نهج البلاغه، قم، نشر اسماعیلیان، بی تا،
چاپ اول، خطبه ی ۴۰۶، ص ۱۶۹.

اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸) ، میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶) و اعلامیه اسلامی حقوق بشر (۱۹۹۰) بر آزادی انسان و بخصوص آزادی تن او تصریح دارند. لذا هر فعل با ترک فعلی که سبب مانع بر حریت و آزادی انسان گردد در صورتی که با الزام قانونی همراه نباشد جرم تلقی شده و مناسب با نوع رفتار موجود عنوان مجرمانه ی خاصی را شامل می گردد که با ضمانت اجراهای کیفری مورد حمایت واقع شده است. در اصل نهم متمم قانون اساسی مشروطه مصوب ۱۲۸۹ آمده بود « افراد مردم از حیث جان و مال و مسکن و شرف محفوظ و مصون از هر نوع تعرضی هستند

متعرض احدی نمی توان شد مگر به حکم و ترتیب که قانون مملکت معین می نماید (۱). اصل ۷۱ قانون اساسی دانمارک مصوب ۱۹۵۳ مقرر داشته « آزادی های فردی مصون از تعرض است. هیچ یک از اتباع دانمارک را نمی توان به خاطر اعتقادات سیاسی یا مذهبی یا اصل و نصب از آزادی محروم نمود.^۱ فصل سوم از قانون اساسی ژاپن مصوب ۱۹۴۶ به حقوق و تکالیف مردم اختصاص دارد این اصل چنین بیان می

^۱ - غفاری، همایون، آدم ربایی، در حقوق جزای ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۶

نماید « هیچ کس از حق حیات محروم نخواهد شد و مجازات طبق آیین دادرسی مقرر در قانون اعمال شد»^۱ آزادی در حقیقت یکی از بزرگترین و عالی ترین ارزش های انسانی است.^۲

مبحث اول (ماهیت آدم ربائی و جرائم مشابه

قوانین و مقررات ملی در عرصه ی احترام به آزادی جسمی و معنوی متاثر از فقه اسلامی و نیز پیشرفت های حقوق کیفری ، اقدام به قانونگذاری و جرم انگاری در این باب نموده در اسناد اساسی و ماهوی و نیز در آیین نامه ها و

^۱ - همان ، ص ۸

^۲ - مطهری ، مرتضی ، انسان کامل ، انتشارات امیر کبیر ، چاپ سوم

دستور العمل ها سعی نموده تا اصول فوق را به
منصه ی ظهور برساند . اصل ۲۲ قانون اساسی
جمهوری اسلامی ایران مقرر می دارد :

"حیثیت ، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل
اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی
که قانون تجویز کند". یکی از حقوق اساسی افراد
که آن هم در قانون اساسی پیش بینی شده است
حق آزادی تن می باشد که بارزترین مصداق
آزادیهای شخصی است. این حق را اصل ۳۲
قانون اساسی چنین بیان می نماید:

"هیچ کس را نمی توان دستگیر کرد مگر به
حکم و ترتیبی که قانون معین می کند."

و اصل ۳۳ نیز اشعار دارد :

"هیچ کس را نمی توان از محل اقامت خود تبعید کرد، یا از اقامت در محل مورد علاقه اش ممنوع، یا به اقامت در محلی اجبار ساخت، مگر در مواردی که قانون مقرر می دارد."

گفتار اول : ماهیت آدم ربایی

هر کسی حق دارد که آزادانه در کوچه، خیابان و مکانهای مجاز راه برود و از آزادی تن بهره مند باشد لکن همان گونه که می دانیم قانون اساسی، ضمانت اجرای مهمی برای تأمین این حق و بسیاری از حقوق اساسی دیگر ندارد؛ بلکه قانون عادی باید اجرای اصول قانون اساسی را

تضمین نماید که در این راستا قانون مجازات اسلامی - تعزیرات مصوب ۱۳۷۰ به موجب مواد ۵۷۵، ۵۸۳، ۶۲۱ و برخی مواد دیگر، ضمانت اجرای حق آزادی تن را پیش بینی کرده است؛ همان گونه که قبلا نیز قانون مجازات عمومی و قانون تشدید مجازات ربایندگان اشخاص مصوب ۱۳۵۳/۱۲/۱۸ در این خصوص به تصویب رسیده بود. مقررات کنونی در مورد جرم سلب آزادی تن دیگری، عاری از ابهام نیست و نیاز به تنقیح و توضیح دارد که در این مجال سعی شده است به بررسی جوانب مختلف

جرم مزبور و به خصوص نکات مبهم آن پرداخته شود.

بند اول: تعریف لغوی آدم ربایی

ربودن عبارتست از «به تردستی و چابکی و حيله از کسی چیزی گرفتن، به زور و سرعت چیزی از شخصی بردن»^۱

«گرفتن و ربودن آدمی برای فروش و یا باجگیری و یا اجرا مقاصد دیگر اعم از مقاصد سیاسی و غیر آن، مانند اینکه ربوده را وسیله نقل مواد مخدر قرار دهند ربودن زنان به قصد عمل

^۱ - دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، جلد ۲۵، تهران، انتشارات یاس،

منافی عفت **abduction** است و گرنه **kidnapping** است^۱ ربودن انسان در عربی به معنای اختطاف آمده^۲ به نظرنگارنده آدم ربایی به معنای سلب آزادی تن شخص بدون رضایت او با جابجایی فرد بر خلاف قانون به قصد عمل خلاف شرع یا قانون میباشد

**بند دوم: تعریف اصطلاحی
آدم ربایی**

^۱ -جعفری لنگرودی، محمد جعفر مبسوط در ترمینولوژی حقوق جلد اول

اول، تهران، انتشارات گنج دانش، چاپ دوم سال ۱۳۸۱، ص ۱۸

^۲ اکبری، عباسعلی، مطالعه بزه آدم ربایی در حقوق کیفری ایران و فقه

امامیه، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه

آزاد اسلامی دامغان، سال ۱۳۸۸، ص ۱۲

آدم ربایی، معادل واژه
های "Kidnapping" و "Abduction" در
زبان انگلیسی^۱ و واژه "Enlevement"^۲ در
زبان فرانسه و واژه "اختطاف"^۳ در زبان عربی
می باشد که در برخی موارد، برای مطلق آدم
ربایی و در برخی موارد، برای ربودن دختران به
منظور عمل نامشروع به کار می رود و تعریفهای
گوناگونی زیر برایشان بیان شده است:

^۱- See: mwalker,david, { the oxford companion to law. clarendon peress. } oxford ۱۹۸۰p

^۲-Alain , Rey , LE ROBERT MICRO , Depot legal , novembre ۱۹۹۳ , france , paris, p

^۳- طیبیان ، سید حمید ، فرهنگ عربی فارسی لاروس ، ج ۲، چاپ دوم،

- موریس نخله معتقد است ، آدم ربایی یعنی انتقال یک یا چند شخص از مکانی به مکان دیگر برخلاف اراده آنان، که ممکن است از راه خدعه یا فریفتن یا با زور انجام گیرد؛^۱

- ترمینولوژی حقوق کیفری آکسفورد در این باب بیان داشته است که انتقال یک شخص بدون رضایت او از محلی به محل دیگر به وسیله زور، تهدید یا فریفتن مشعر در معنای آدم ربایی دارد؛

- استاد جعفری لنگرودی در توصیف معنای آدم ربایی به معنای سلب آزادی تن اشاره نموده

^۱ - نخله ، موریس ، حقوق کیفری معاصر ، به نقل از پاد، ابراهیم ، حقوق

کیفری اختصاصی، نشر رهام چاپ اول ، ۱۳۸۳ ، ج ۱، ص ۹.

است ؛ بنابراین ابتدا باید معنای آزادی تن را دانست . آزادی تن نیز چنین تعریف شده است :
" آزادی بدنی هر فرد بطوری که بتواند از هر نقطه کشور به نقطه دیگر آن، مسافرت نموده یا نقل مکان دهد یا از کشور خود خارج شده و به آن مراجعت نماید و از توقیف بدون جهت محفوظ و مصون باشد. نتیجه این آزادی، لغو بردگی و شبه بردگی، لغو بیگاری، منع توقیف و حبس بدون مجوز اشخاص است. " ^۱ بنابراین آدم ربایی به معنای سلب آزادی تن دیگری بدون

^۱ - جعفری لنگرودی، محمد جعفر ، ترمینولوژی حقوق ، تهران، بنیاد راستاد، چاپ اول، ۱۳۶۳، ص ۱۳۳.

رضایت او و با قصد نامشروع، از راه جابجائی از محلی به محل دیگر می باشد.^۱

مخفی کردن هم، سلب آزادی تن دیگری بدون رضایت او و به قصد نامشروع از طریق پنهان کردن افراد در محلی می باشد. آدم ربایی و ربودن انسان زنده بر خلاف رضایت و میل او و همچنین استیلا یافتن بر انسان و نقل مکان دادن او از محلی به محلی دیگر به صورت غیر قانونی و برخلاف میل و اراده ی وی و یا این که انتقال یک شخص بدون رضایت او از محلی به محلی

^۱ - صانعی، پرویز، حقوق جزای عمومی، تهران، انتشارات گنج دانش،

دیگر بوسیله زور، تهدید، یا فریفتن آدم ربایی گفته میشود^۱ با توجه به تعریف فوق میتوان گفت انتقال وجابجایی برخلاف اراده یک شخص به طور غیرقانونی به منظور الف: جنایت علیه تن وی ب: ملاحظات سیاسی ج: باج خواهی د: رضایت به عنف خانواده مجنی علیه برمسایل غیرمالی مانند ازدواج ه: دلایل قضایی مانند آدم ربایی توسط اشرار جهت تغییر در تصمیمات قضایی و: تخریب چهره سیاسی و امنیتی کشور مانند ربودن جهانگردان را آدم ربایی نامند.

^۱ - شاملو احمدی، محمد حسین، فرهنگ اصلاحات و عناوین جزایی،

بند سوم: حدی یا تعزیری بودن آدم ربایی

جرم آدم ربایی، جرمی است که از گذشته های دور وجود داشته و قانونگذار اسلام نیز در مورد آن سکوت نکرده و احکامی را در مورد ربودن انسان بیان کرده است که البته این احکام در بابهای مختلف کتب فقهی آمده است و عده ای هم کوشیده اند آن را تحت عناوین عام تعزیرات و افساد فی الارض قرار دهند. در اینجا جرم آدم ربایی را که در مباحث (سرقت غصب افساد فی الارض تعزیر محرمات) تحت بررسی قرار گرفته است، مورد کنکاش قرار می دهیم.

-آدم ربایی به عنوان سرقت

تمامی فقهای شیعه و سنی اتفاق نظر دارند که شرط تحقق سرقت آن است که موضوع سرقت، مال باشد. بنابراین سرقت انسان امکان ندارد و در نتیجه نمی توان مجازات سرقت را در مورد آن اجرا کرد و از این جهت تفاوتی نمی کند که مجنی علیه کودک باشد یا بالغ باشد؛ اما اگر عبد بالغ باشد، در مورد آن اختلاف نظر وجود دارد. همچنین در مورد دیوانه اختلاف نظر وجود دارد : «اگر کسی عبد نابالغ یا مجنون را بدزدد، دستش قطع می شود؛ زیرا عبد نابالغ و مجنون، مال محسوب می شوند و امکان سرقت آنها وجود دارد. اما اگر کبیر و عاقل باشند، دست رباینده قطع نمی شود؛ زیرا سرقت آنان امکان

ندارد و اگر کسی با زور ایشان را برباید، سرقت محسوب نمی شود؛ بلکه غضب است، مگر این که مجنی علیه خواب باشد که در این صورت دست سارق قطع می گردد؛ زیرا سرقت چنین شخصی امکان دارد.^۱

در نظریه فوق و نظریه های دیگر ملاحظه می کنیم که ملاک اجرای حد سرقت، امکان و عدم امکان تحقق عنوان سرقت است و این عنوان در مواردی صدق می کند که آنچه ربوده می شود، مال باشد. بنابراین نباید میان صورتهای مختلف

^۱ - ابن قدامه ، عبد اله بن احمد ، المغنی ، نشر اطلاعات ، چاپ دوم ، تهران ، ۱۳۹۱ ، ص ۶۳۴ .

تفاوت گذاشت؛ زیرا انسان چه خواب باشد و چه بیدار، چه کودک باشد و چه بالغ، نام انسان بر او صدق می کند و این تفکیک، قابل انتقاد است. اما در مورد شخص دیوانه، شاید بتوان تامل کرد؛ زیرا هدف ممنوعیت جرم آدم ربایی، تضمین آزادی تن وی می باشد و شخص دیوانه، از این نظر مانند شخص محترم عاقل، مورد حمایت قانون نیست. بنابراین ربودن شخص دیوانه نباید مجازات ربودن شخص عاقل را داشته باشد. توجیهی که بر رد این ادعا می توان مطرح کرد آن است که آزادی تن، اختصاص به جسم انسان دارد و جسم انسان عاقل و غیر عاقل هم تفاوتی با هم ندارند و به صورت یکسان در حمایت

قانون می باشند و فقدان قوه ناطقه، تأثیری در این خصوص ندارد. البته دادگاه می تواند این تفاوت را ملاکی برای اعمال حداقل و حداکثر مجازات قانونی قرار دهد.

۱-۲ آدم ربایی به عنوان افساد فی الارض بسیاری از فقها به دلیلی که در بالا گفته شد، تحقق عنوان سرقت را در مورد آدم ربایی ممکن نمی دانند؛ اما با استناد به روایات شرعی^۱، مجازات سرقت را برای این جرم هم برقرار کرده اند و در توجیه آن به نظریه افساد فی الارض،

^۱ - حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، تهران، نشر امیر کبیر،

استناد می جویند. عنوان (افساد فی الارض) یک عنوان عامی است که اطلاق آن شامل هر فساد، گناه و جرمی می شود؛ اما با توجه به این که برخی از این گناهان عنوان مجرمانه خاصی دارند، باید آن را منصرف به گناهی دانست که عنوان خاص ندارند و آدم ربایی هم یکی از آنهاست؛ اما در مورد این که مجازات افساد فی الارض همان مجازات محاربه است، یا مجازات دیگری دارد، اختلاف نظر وجود دارد.^۱ حق آن است که نمی توان هر عمل ناشایست و گناهی را که عنوان خاص مجرمانه ای ندارد،

^۱ -مرعشی، محمد حسن، دیدگاه های نو در حقوق کیفری، تهران، نشر

تحت شمول عنوان (افساد فی الارض) قرار داد و برای آن مجازات محاربه و افساد فی الارض را برقرار ساخت و نیازی هم به این کار نیست؛ زیرا فقها به صورت خاص، مصادیق افساد فی الارض را مشخص کرده اند و عنوان آدم ربایی یکی از همین مصادیق است.

شیخ طوسی (ره) در این خصوص می فرماید: «هر کس انسان آزادی را بر باید و بفروشد، باید دستش قطع شود؛ زیرا چنین شخصی مفسد فی الارض است.»^۱

^۱ - شیخ طوسی ، محمد ابن حسن ، خلاف ، نشر بیداد ، قم ، چ دوم،

علامه حلی (ره) میان حالت فروش شخص ربوده شده و عدم آن فرق می گذارد و صرف ربودن را فقط مستوجب تعزیری داند : «شرط موضوع سرقت، آن است که مال باشد بنابراین اگر کسی، انسان صغیر آزاد را بر باید و بفروشد، دستش از باب حد سرقت قطع نمی شود، بلکه از باب افساد فی الارض قطع می شود و اگر مجنی علیه را بفروشد، فقط تأدیب و تعزیری شود و اگر اموالی با او باشد که به حد نصاب برسد، دست سارق قطع نمی شود؛ زیرا در تصرف مجنی علیه می باشد. اگر مجنی علیه شخص بالغی باشد که بر سر مال خود خوابیده است و به همراه مالش ربوده شود، دست سارق قطع می

شود و شخص مست و بی هوش و دیوانه نیز همین حکم را دارد.^۱ همچنین بیشتر فقها مجازات آدم ربایی را در اینجا مانند سرقت دانسته و حکم به قطع دست کرده اند و حتی صاحب جواهر، هر مجازات دیگری را اجتهاد در مقابل نص می داند. اما توجیهی که برای آن شده است، (مبنی بر این که، قطع دست سارق بخاطر محافظت از اموال مردم است و محافظت از جسم انسان به طریق اولی مستوجب قطع دست است) توجیه محکمی نیست؛ زیرا نمی توان این دو را

^۱ - علامه حلی ، حسن ابن یوسف ، قواعد الاحکام ، نشر جامعه ی

با یکدیگر مقایسه نمود و به همین دلیل شهید ثانی(ره) حکم به قطع دست آدم ربا را تقبیح نموده و قائل شده است، اگر هم آدم ربا را مفسد فی الارض بدانیم، لازم است همان مجازات افساد فی الارض و محاربه را که در قرآن بیان شده است مورد حکم قرار دهیم.

ایشان می فرماید: «حکم به قطع دست آدم ربا مشکل است؛ زیرا آدم ربا اگر مفسد باشد، لازم است که حاکم، مخیر باشد میان کشتن و قطع دست و پا و اجرای بقیه احکام افساد فی الارض، نه این که تنها مجازات قطع دست را اجرا کند. همچنین توجیهی که در این زمینه شده است مناسب نیست؛ زیرا گفته شده است که وجوب

قطع دست سارق به خاطر حراست از مال است و حراست جان مهمتر از حراست مال می باشد، پس وجوب قطع دست آدم ربا اولی است، در حالی که حکم به قطع دست فقط برای ربودن مال با شرایط خاصی است و نمی توان آن را در مورد ربودن انسان هم بیان کرد و فلسفه قطع دست سارق، تنها حراست از مال نمی باشد.

۱-۳ آدم ربایی به عنوان جرم مستوجب تعزیر کارهای ناپسند و حرام، بسیار زیاد است و قانونگذار اسلام برای همه آنها مجازات تعیین نکرده است؛ بلکه تعداد محدودی از آنها مانند قتل، سرقت، شرب خمر، محاربه، قذف، زنا،

لواط، مساحقه، قoadی و... مورد حکم قرار گرفته اند و بقیه به صورت کلی به عهده حاکم گذاشته شده اند، که به تشخیص خود برای آنها مجازات مناسب تعیین کند، مانند استمناء، از بین بردن بکارت، نبش قبر، نزدیکی با حیوانات، شهادت دروغ و... اما در مورد سایر کارهای حرام، فقها یک قاعده کلی بیان کرده اند که مقرر می دارد: «هر کس عالما و عامدا کار حرامی انجام دهد یا واجبی را ترک کند، حاکم به مقداری که مصلحت بداند او را تعزیر می کند.»

بنابراین حکم آدم ربایی هم مشمول این قاعده عمومی می باشد و حاکم می تواند بر حسب مصلحت جامعه، مجازات تعزیری مناسبی را برای

آدم ربایی برقرار کند، چنانکه بسیاری از فقها به همین صورت فتوا داده اند. قانون مجازات اسلامی سال ۷۵، میان تعزیرات و مجازاتهای بازدارنده تفکیک نموده (ماده ۱۶ و ۱۷) اما ملاک تفکیک را بیان نکرده است.

یکی از ملاکهایی که برای این تفکیک بیان می شود آن است که تعزیر، مجازات جرمی است که در منابع شرعی، سابقه قانونگذاری دارد، مانند اهانت به دیگری و مجازات بازدارنده، مجازات جرمی است که در منابع شرعی سابقه قانونگذاری ندارد، مانند جعل اسکناس. یکی از آثاری که براین تفکیک مترتب می شود، شمول مرور زمان

نسبت به مجازاتهای بازدارنده وعدم شمول آن نسبت به تعزیرات است، (ماده ۱۷۳ به بعد قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری) حال چنانچه این تفکیک، درست باشد جرم آدم ربایی مشمول مقررات مرور زمان خواهد بود، زیرا در متون شرعی، سابقه قانونگذاری دارد.

گفتار دوم (ماهیت جرائم مشابه

در این گفتار به ماهیت جرائم مشابه آدم ربایی به تفکیک در پنج بند می پردازیم و تعاریف موجود در کتب و رساله های حقوقی آورده خواهد شد در بحث ربودن اعضای انسان مفصل

توضیحاتی آورده شده که با لحاظ اینکه این جرم از سری جرائم امروزی است سعی شده با مسائل فقهی مطابقت و در تحقیق آورده شود که کاری واقعا دشوار بوده و امید است نظر خواننده گرامی را بدست اورم در مورد اخفا مجرم و اخفا اموات نیز به تفکیک بحث گردیده و در نهایت در مورد جرم گروگانگیری که جرمی ناشناخته در حقوق ایران است مطالبی درج گردیده اولین بند در مورد توقیف غیرقانونی است که با تعریفی از آن شروع و سپس ماهیتا تبیین گردیده است.

بند اول (توقیف غیرقانونی

«توقیف در لغت به معنی بازداشتن و بازداشت است و توقیف اشخاص یعنی بازداشت شخص حقیقی به وسیله مقامات انتظامی و مدعی العموم و دادگاهها میباشد خواه بوسیله اجرای ثبت صغیردیوانه وزن حامل که چهل روز نگذشته باشد و ولی صغیر که توقیف او موجب قطع معاش صغیر شود»^۱ دستگیری و حبس مجرم یکی از معیارهای تحقق عدالت به حساب می آید. اما گاهی نیز توقیف و حبس جنبه غیرقانونی پیدا می کنند. این موضوع به اندازه ای اهمیت دارد که قانونگذار آن را یکی از جرایم علیه اشخاص

^۱ - لنگرودی، جعفر، ترمینولوژی، حقوق جلد اول، تهران، انتشارات

دانسته و برای جلوگیری از وقوع آن مجازات‌هایی را در نظر گرفته است. در تعریف این جرم لازم است دقت شود که هر شخص حقیقی و حقوقی که دیگری را خلاف قانون در موقعیتی قرار دهد که از آزادی جسمی او ممانعت به عمل آید، جرم مذکور شکل می‌گیرد. گرچه مصداق اصلی این جرم در بازداشتگاه‌ها و زندانهای دولتی و توسط مامورین قضایی صورت می‌پذیرد لکن محبوس نمودن شخصی در جایی غیر از زندان‌ها و بازداشتگاه‌ها و توسط اشخاصی غیر از مامورین دولتی نیز متصور است.

توقیف در لغت به معنای بازداشت کردن از حرکت بازداشتن است عمل مادی به لحاظ دستگیری شخص و جلوگیری از ادامه طریق و یا محروم ساختن او از ادامه رفت و آمد است. و ضرورت ندارد که توقیف منتهی به حبس واقعی و نگهداری شخص در محل معین گردد. توقیف در مقابل حبس است به نوعی جرم آنی است و مانند حبس مستمر نمیباشد. حبس غیر قانونی اعم از توقیف غیر قانونی است یعنی توقیف غیر قانونی منتهی به حبس غیر قانونی خواهد شد ولی حبس غیر قانونی هیچ گاه توقیف غیر قانونی نمیباشد زیرا توقیف در یک بازه زمانی کوتاه رخ میدهد. حتی معلمی که برخلاف مقررات محصلی

را در افاق نگاه می دارد مرتکب عمل فوق
گردیده. توقیف غیر قانونی و بازداشت افراد نیز
مانند آدم ربایی منجر به سلب آزادی تن می شود
و از این جهت و برخی جهات دیگر شبیه آدم ربایی
است؛ اما میان این دو جرم تفاوت‌هایی نیز وجود
دارد که باید مورد توجه قرار گیرد و قبل از بیان
این تفاوتها ضروری است که عنصر قانونی جرم
بازداشت غیر قانونی بیان گردد. این جرم در مواد
۵۷۵ و ۵۸۳ قانون مجازات اسلامی پیش بینی
شده است.

ماده ۵۷۵: " هرگاه مقامات قضایی یا
دیگر مأمورین ذی صلاح بر خلاف قانون توقیف

یا دستور بازداشت یا تعقیب جزایی یا قرار مجرمیت کسی را صادر نمایند، به انفصال دائم از سمت قضایی و محرومیت از مشاغل دولتی به مدت پنج سال محکوم خواهند شد."

این جرم نیز گرچه معمولاً منجر به سلب آزادی تن مجنی علیه می شود، اما تفاوت آن با جرم آدم ربایی و مخفی کردن دیگری، آشکار است؛ زیرا:

- فاعل این جرم، مقامات قضایی و مأموران ذی صلاح هستند، اما جرم آدم ربایی توسط افراد عادی صورت می گیرد

- ادم ربایی از راه فعل مادی ربودن، محقق می شود، اما این جرم از طریق صدور قرار و دستور است

- دستور بازداشت و توقیف ممکن است منتهی به بازداشت نشود، مانند این که به متهم دسترسی نباشد یا متهم با سپردن وثیقه یا معرفی کفیل، آزاد شود؛

- رابعا جرم آدم ربایی معمولاً به صورت مخفیانه و دور از چشم دیگران صورت می گیرد، اما جرم موضوع این ماده به صورت اداری و علنی صورت می گیرد.

- ماده ۵۸۳: "هرکس از مقامات یا مأمورین دولتی یا نیروهای مسلح یا غیر آنها بدون حکمی از مقامات صلاحیت دار در غیر مواردی که در قانون، جلب یا توقیف اشخاص را تجویز نموده، شخصی را توقیف یا حبس کند یا عنفا در محلی مخفی نماید به یک تا سه سال حبس یا جزای نقدی از شش تا هجده میلیون ریال محکوم خواهد شد." جرم موضوع این ماده، شباهت زیادی با جرم آدم ربایی دارد. بنابراین ممکن است در مواردی میان این دو جرم اشتباه شود؛ اما تفاوتی میان آنها وجود دارد که در ذیل توضیح داده می شود: ماده ۵۸۳، مرتکب جرم را (مقامات یا مأموران دولتی یا نیروهای مسلح)

دانسته است که اگرچنین باشد، تفاوت آن با جرم آدم ربایی که از سوی افراد عادی صورت می گیرد روشن است؛ اما عبارت «یا غیر آنها» که به دنبال مأموران دولتی آمده است، شمول این ماده نسبت به افراد عادی را تقویت می کند. سابقه وضع این ماده نیز نشان می دهد که اختصاص به کارمندان دولت نداشته است؛ زیرا ماده ۱۹۳ قانون مجازات عمومی که در مورد این جرم بود به توقیف دانش آموزان توسط معلمان اشاره داشت و ماده ۷۱ قانون تعزیرات هم آورده بود:

" اولیای قانونی اطفال از قبیل پدر نسبت به اولاد و ولی نسبت به مجنون از مفاد این ماده

مستثنی می باشند، مشروط براین که اقدام اولیا از حد قانونی تجاوز ننماید."

قرینه ای که برای اختصاص این جرم به کارمندان دولت وجود دارد، ذکر این ماده در فصل مربوط به تقصیرات مقامات و مأموران دولتی است که حذف افراد عادی در اصلاحات بعدی نیز آن را تقویت می کند.

۲. به فرض آنکه ماده ۵۸۳ را شامل افراد عادی نیز بدانیم، می توان از نظر عنصر مادی، میان این دو جرم تفکیک کرد، بدین صورت که ماده ۵۸۳، مخصوص مواردی باشد که سلب آزادی تن به عنوان اجرای قانون صورت گیرد ولی در واقع غیر قانونی باشد، برخلاف آدم ربایی که به

صورت مخفیانه و بدون هدف اجرای قانون صورت گیرد، بلکه هدف نامشروعی همچون اخاذی یا تجاوز جنسی و نظایر اینها در پس آن نهفته است و مرتکب، ادعای قانونی بودن عمل خود را ندارد، برخلاف ماده ۵۸۳ که مرتکب با سوء استفاده از موقعیت خود، اقدام به چنین عملی می کند.

۳. عبارتهای «جلب توقیف حبس» که در ماده ۵۸۳ بیان شده است، عرفاً با آدم ربایی تفاوت دارند؛ اما عبارت «عنفا در محلی مخفی نماید» که در ماده ۵۸۳ بیان شده است، با عبارت «مخفی کند» که در ماده ۶۲۱ آمده است، شباهت دارد و

از این جهت ممکن است موجب خلط آنها شود که برای این تمایز باید به همان ملاک‌هایی که در بالا گفته شد توجه داشت. در سال ۱۳۹۱ «سرقت مستوجب تعزیر» با ۴۶۹ هزار پرونده، عنوان جرم نخست در کشور را از آن خود کرده است که رکورد میمون و مبارکی محسوب نمی‌شود. سرقت به معنی ربودن مال غیر به صورت پنهانی است؛ اما جرمی که به تازگی در جوامع بیشتر از گذشته دیده می‌شود و با جرم سرقت نیز شباهت‌هایی دارد، آدم‌ربایی است. دزدیدن یک انسان اگر چه ربودن است؛ تفاوت‌های زیادی با جرم سرقت دارد که از مهم‌ترین این تمایزات می‌توان به شرط مال بودن در عین ربوده شده

اشاره کرد که انسان فاقد این عنوان قرار می گیرد
لذا ضروری است تا ارکان متشکله ی جرم آدم
ربایی مورد بررسی قرارگیرد تا ماهیت این
سازمان حقوقی به صورت مستقل ایجاد شده و
میان مفاهیم مشابه مانند سرقت تفکیک ایجاد
شود.

بند دوم : قاچاق انسان
ربودن انسان جرمی است که ارتکاب آن در
مقاطع مختلف تاریخ بشر در هر جامعه یا ملتی به
وقوع پیوسته و از این ناحیه آزادی و مصونیت
انسان که حق بشری و فطری انسان است به

آسیب و صدمه مواجه گردیده است، چنانچه به تاریخ بشر و پیامدهای اجتماعی در مسیر آن نگاه کنیم، دیده می‌شود که در کنار فقر و تنگدستی و جنگ یکی از مشکلات اصلی، اختطاف انسان‌های آزاد بوده که آزادی شان سلب و مانند متاع مورد معامله قرار گرفته و به فروش می‌رسیده است.^۱ طرح مساله قاچاق انسان یکی از پدیده‌های خطرناکی است که در قرن بیست و یکم تمامی جامعه جهانی، از جمله ایران را تهدید می‌کند. خرید و فروش انسان و سوءاستفاده از افراد بشری از دیر باز وجود

۱- . ابراهیمسن، دیوید، روانشناسی کیفی، ترجمه پرویز صانعی، چاپ دوم، تهران، گنج دانش، ۱۳۷۱، ص ۲۳۰.

داشته؛ لیکن ویژگی‌های اصلی این عمل مجرمانه در قرن بیست و یکم که آنرا خطرناکتر می‌کند، «سازمان یافته» و «فراملی» شدن آن است.^۱ قاچاق انسان به سه منظور اصلی صورت می‌گیرد که می‌توان آنرا به این شرح تقسیم بندی کرد: قاچاق زنان و کودکان: عمدتاً به منظور سوء استفاده‌های جنسی و قاچاق مهاجران: که عمدتاً با اسناد هویت و اسناد گذر جعلی و بصورت غیر مجاز افراد از مرزهای کشوری به کشور دیگر

^۱ - پیکا، ژرژ، جرم‌شناسی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ

عبور داده می شوند ؛ سوم قاچاق انسان جهت برداشتن عضو یا بدلیل ازدواج های اجباری.

بند سوم : اخفا مجرم و اموات

ماده ۶۳۶ قانون تعزیرات : "هر کس جسد مقتولی را با علم به قتل مخفی کند یا قبل از اینکه به اشخاصی که قانونا مامور کشف و تعقیب جرایم هستند خبردهد آن را دفن نماید به حبس از سه ماه و یک روز تا یک سال محکوم خواهد شد."

مخفی کردن به معنای مستور کردن و پوشاندن است، بدین معنا که مجنی علیه بدون اراده خود در محلی که رفت و آمد به آن صورت نمی گیرد

وامکان خارج شدن از آن وجود ندارد، نگهداری
شود که البته در این خصوص هم باید توجه
داشت که مخفی کردن، یک معنای عرفی دارد و
ممکن است در محلی که مجنی علیه در آن
نگهداری می شود افراد زیادی باشند، اما عنوان
مخفی کردن صدق کند؛ مانند این که چند نفر
برای کار کردن در محلی همچون معدن یا
مزرعه محصور شده، در آن جا نگهداری شوند.

ممکن است آدم ربایی منتهی به مخفی کردن
شود، یعنی رباینده برای این که بر عمل خود
سریوش بگذارد، مجنی علیه را در محلی مخفی
کند. در این صورت دو جرم محقق نشده است تا

بتوان دو مجازات نسبت به آن اعمال کرد؛ بلکه در این جا مخفی کردن، نتیجه منطقی آدم ربایی است و یک جرم محسوب می شود. محل مخفی کردن، لازم نیست محلی متعلق به مخفی کننده یا شخص دیگری باشد؛ بلکه اگر مرتکب، صاحبخانه ای را در خانه خودش هم مخفی نماید مشمول این عنوان مجرمانه خواهد بود.

از نظر عنصر مادی، تفکیک دیگری که میان جرم آدم ربایی و مخفی کردن دیگری به عمل آمده است، آنی و مستمر بودن زمان تحقق آنهاست:

ربودن انسان ماهیتاً موجب سلب آزادی موقتی از مجنی علیه می گردد که جرمی آنی است،

درحالی که مخفی کردن، جرمی مستمر است و ممکن است محل آن جایی مقفل، محفوظ و دور از انظار باشد. اشکالی که براین تفکیک می توان وارد نمود، آن است که نحوه ارتکاب جرم از این نظر در هر دو مورد یکسان است. زمانی که شخصی ربوده شد و از مکانی به مکان دیگری منتقل گردید، جرم آدم ربایی محقق می شود و تفاوتی ندارد که این ربودن ادامه پیدا کند یا بلافاصله قطع گردد و این خصوصیت در مخفی کردن هم وجود دارد، یعنی وقتی شخصی، دیگری را مخفی کرد، جرم مخفی کردن، محقق می شود، اعم از این که مخفی

کردن، ادامه یابد، یا پس از مدت کوتاهی قطع گردد.

فلسفه ممنوعیت جرم که همان جلوگیری از سلب آزادی تن دیگری است، در هر دو جرم به نحو یکسان وجود دارد. پس هر دو جرم یا باید جرم آنی و یا مستمر باشند. در پاسخ به این ایراد ممکن است، گفته شود ملاک تمایز جرم آنی و جرم مستمر، زمان لازم برای تحقق عنصرمادی جرم است. یعنی در جرم آنی، زمانی کوتاه برای تحقق جرم کافی است. اما برای تحقق جرم مستمر، زمانی طولانی لازم است و جرم آدم ربایی و مخفی کردن، این تفاوت را با هم دارند؛ زیرا جرم آدم ربایی به محض این که شخصی

ر بوده شد، محقق می گردد، هر چند طی زمانی کوتاه باشد؛ اما اگر شخصی، دیگری را برای چند دقیقه در محلی مخفی کند و سپس او را آزاد نماید، عنوان (مخفی کردن دیگری) بر عمل او صدق نمی کند.^۱ این توجیه، قابل دفاع است و در نتیجه، جرم آدم ربایی، مشمول مقررات جرایم آنی است. پس اگر شخصی در تهران ر بوده شود و به قم انتقال داده شود، رسیدگی به جرم در صلاحیت حوزه قضایی تهران خواهد بود. ممکن است ربودن، همراه با مخفی کردن

^۱-نجفی آبرندآبادی، حسینعلی، بزه دیده شناسی، مجموعه ی علوم

باشد، مثلاً راننده کامیون، درب کامیون را بر روی شخصی که در عقب کامیون است، قفل کند و آن شخص، ساعت ها در همان مکان بماند و سپس او را به حوزه قضایی دیگری ببرد. در این جا کدام عنوان، محقق شده است؟

اگر عنوان مخفی کردن، صدق کند، این یک جرم مستمر است که دادگاه مستقر در هر دو حوزه قضایی صلاحیت رسیدگی خواهند داشت؛ اما اگر آن را آدم ربایی بدانیم، دادگاه محلی که شخص در آن جا ربوده شده است، صلاحیت دارد. اگر در همین فرض، دو عمل موصوف، توسط دو نفر صورت گیرد، یعنی یک نفر، در کامیون را قفل کند و شخصی را در آن مخفی

نماید و سپس شخص دیگری او را به محل دیگری منتقل نماید، این سؤال مطرح می شود که آیا هر دودریک جرم شرکت کرده اند یا جرم هر کدام عنوان خاص خود را دارد؟

ممکن است، گفته شود: در این جا باید به قصد آنها توجه داشت، اگر قصد مجرمان، آن باشد که مجنی علیه را ساعتی در محلی مخفی کنند تا سپس به محل دیگری ببرند، عنوان آدم ربایی صدق می کند؛ زیرا عملیات مخفی کردن، عملیاتی مقدماتی برای ربودن بوده است. اما اگر قصد شخص اول، مخفی کردن باشد و قصد

شخص دوم، آدم ربایی باشد، عمل هر کدام، مشمول عنوان خاص خود خواهد بود.

انتقادی که بر این دیدگاه وارد است، این که در تفکیک میان جرایم آنی و مستمر، عنصر معنوی و قصد مجرم تأثیری ندارد؛ بلکه باید به عنصر مادی جرم توجه داشت. عنصر مادی جرم آدم ربایی و مخفی کردن دیگری معمولاً به صورت فعل مادی مثبت رخ می دهد؛ اما احتمال تحقق آن با ترک فعل هم منتفی نیست، مانند این که شخصی در آسانسور گرفتار شود و به مسئول خرابی آسانسور اطلاع دهد و او به قصد مخفی کردن شخص گرفتار، از نجات وی خودداری کند. اما اگر عنصر مادی این دو جرم را منحصر

در فعل مثبت بدانیم، چنین عملی، مصداق مخفی کردن نخواهد بود.

بند چهارم: ربودن اعضا انسان

در سطح بین المللی در زمینه پیشگیری و سرکوب قاچاق انسان، تلاشهای زیادی صورت گرفته است. لیکن مهمترین اقدام در دسامبر ۲۰۰۰ با امضای کنوانسیون ملل متحد علیه جنایات سازمان یافته فراملی (پالرمو) و پروتکلهای الحاقی به آن صورت گرفت. کنوانسیون تدابیر مفصلی را در پاسخ به جنایات سازمان یافته فراملی پیشبینی نموده است. پروتکل اول الحاقی به این کنوانسیون به مبارزه با

قاچاق اشخاص اختصاص یافته و تمهیدات مفصلی را در زمینه پاسخ به قاچاق زنان و کودکان اندیشیده و پروتکل دوم الحاقی به کنوانسیون نیز به مبارزه با قاچاق مهاجران اختصاص دارد.^۱ چنانچه خاطر نشان گردید جرایم اختطاف و قاچاق انسان از جمله جرایم جدی بوده، نه تنها بعضی کشورها آن را تجربه نموده و با آن مواجه‌اند بلکه در سطح جهان، نگرانی عمیق نسبت به آن وجود داشته است. از آن‌رو، پروتکل متذکره به منظور اتخاذ تدابیر گسترده در سطح بین‌المللی یکی از اقداماتی است

^۱ - اشتری، بهناز، قاچاق زنان: بردگی معاصر، تهران، انتشارات اندیشه برتر، چاپ اول، ۱۳۸۰، ص ۳۴.

که توجه جهانی را به آن نشان می‌دهد. طوری که در پروتکل ملاحظه می‌شود، هدف آن جلوگیری از قاچاق انسان به خصوص زنان و اطفال، کمک به قربانیان و حفاظت آن‌ها و تقویت همکاری و تشریک مساعی بین کشورها در مبارزه علیه آن می‌باشد. مطابق پروتکل «قاچاق انسان به مفهوم استخدام، انتقال، تبادل، اخفا و دریافت اشخاص است از طریق تهدید یا زور و انواع فشار، اختطاف، تزویر اسناد، فریب، سوء استفاده از قدرت، موقعیت آسیب پذیر یا به دریافت مبلغ یا منفعت دیگر به منظور حصول رضایت یک شخص حاکم بر شخص دیگر به

منظور بهره برداری می باشد.^۱ بهره برداری مطابق پروتکل "سوء استفاده برای فحشا از دیگران و یا انواع دیگر سوء استفاده های جنسی، کارها و خدمات اجباری، غلامی و یا اشکال همانند غلامی، بردگی یا قطع اعضای بدن می باشد" مطابق پروتکل، رضایت قربانی قاچاق انسان در سوء استفاده و استثمار یا استفاده از شیوه هایی که در تعریف جرم قاچاق انسان از آن تذکر به عمل آمده برای الزام قربانی غیر قابل توجیه می باشد و نمی توان قربانی را در صورت رضایت داشتن مورد تعقیب عدلی قرار داد. جمهوری اسلامی

^۱ سلیمی، صادق، جنایات سازمان یافته فراملی، انتشارات تهران صدا،

ایران هیچیک ازدو پروتکل را به تصویب
نرسانده است، لیکن در سال ۱۳۸۳ متأثر از رشد
این پدیده مجرمانه در داخل کشور و باعنایت به
تحولات بین‌المللی «قانون مبارزه با قاچاق انسان»
(ق.م.ق.ا.) مشتمل بر هشت ماده و سه تبصره با
قید دو فوریت در تاریخ ۱۳۸۳/۴/۲۸ به تصویب
مجلس شورای اسلامی رسیده است و در
اثرسکوت شورای نگهبان، مطابق اصل نود و
چهارم قانون اساسی، خود به خود لازم‌الاجرا
شده و در تاریخ ۱۳۸۳/۶/۱۸ در روزنامه رسمی
چاپ و منتشر شده است.

در اغلب موارد ، دایره شمول دو عنوان جزایی آدم ربایی و قاچاق انسان به رغم تشابه موجود، از یکدیگر جدا و متمایز است لیکن در مواردی ممکن است عمل ارتكابی واحد، مشمول هر دو عنوان جزایی بشود که طبق قاعده تعدد معنوی (اعتباری) جرم و بااستناد به فصل پنجم قانون مجازات ۱۳۹۲ در باب تعدد جرم ، ماده ۱۳۱ مجازات اشد (در این مورد آدم ربایی) اعمال می گردد. ^۱ خرید فروش و قاچاق اعضای بدن در برخی کشورها مانند هند به فاجعه‌ای ملی تبدیل شده و در برخی کشورها از جمله کشورهای

^۱ - ماده ۱۳۱: در جرائم موجب تعزیر هرگاه رفتار واحد، دارای عناوین مجرمانه متعدد باشد، مرتکب به مجازات اشد محکوم می شود.

عربی با منع سرکوبگرایانه ی قانونی شدید مواجه شده و این در حالی است که در ایران به دلیل سکوت قانون، ابعاد مسئله نیز همچنان ناگفته باقی مانده است^۱ و حقوقدانان بر مبنای کلیات در منع آن گام برداشته اند.^۲

^۱ - آقا بابائی، اسماعیل؛ پیوند اعضاء از بیماران فوت شده و مرگ مغزی، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چ اول، ۱۳۸۵، ص ۱۴۹.

^۲ - گسترش تجارت اعضا و عدم موفقیت دولت ها در مبارزه با آن باعث شده است که زمزمه هایی در مورد قانونی کردن پیوند اعضا به گوش برسد. پرفسور مقصود نورالنئی، یکی از برترین پزشکان پیوند اعضا در انگلستان از طرفداران این تئوری است، اولین برخورد وی برای نجات جان یک بیمار، که به خاطر پیوند اعضا در پاکستان دچار عوارض بعد از عمل گردیده بود، این ایده را در ذهن وی به وجود آورده است. او می گوید: «در حال حاضر فروش اعضا در شهرهایی مانند اسلام آباد و

مراد از عضو بدن، جزئی از بدن است؛ ولی هر جزئی مقصود نیست. بلکه مقصود از آن، جزئی است که دارای عمل و وظیفه مستقل می‌باشد.^۱ لذا برداشتن مو یا ناخن کسی ذیل عنوان ربایش

راولپندی به وفور دیده می‌شود و بیمارستان‌ها بدون ذره‌ای شرم، در مورد پیوند اعضا تبلیغات انجام می‌دهند.» وی معتقد است که در حالی که اکثر فروشندگان عضو، انسان‌های فقیر و نیازمند هستند، تنها کار مثبتی که دولت‌ها می‌توانند انجام دهند نظارت بر خرید و فروش عضو است تا دست کم حقوق این افراد حفظ شود. این پزشک در مصاحبه با روزنامه ایندپندنت ذکر می‌کند: در یک عمل پیوند عضو، همه افراد دخیل، سود خواهند برد به جز اهداکننده عضو. هیچ کس از اهداکنندگان قدردانی نمی‌کند. در حالی که آنها، قهرمان‌اند. باید به آنها مدال داد. پروسه پیوند اعضا یک پروسه درآمدزاست و برای رعایت حقوق اهداکنندگان، دولت باید بر آن نظارت داشته باشد.

^۱ - دفتر تبلیغات اسلامی؛ مسائل مستحدثه پزشکی ۱، قم، مؤسسه بوستان

اعضا و یا قچاق اعضا قابل پیگرد نخواهد بود. در این باب نظرات گوناگونی در خصوص اعضای انسان وجود دارد؛ بدین صورت که میان فقها در مشارکت خود شخص در این انتقال بحث موجود است، یعنی اگر کسی بخواهد یکی از اعضای خود را به دیگری هبه کند یا بفروشد اختلاف نظر وجود دارد. بنابراین سرقت این اعضا به یقین مورد حرمت قرار می گیرد. مفید نظر است که بخشی از مناظرات فقها در باب مورد نظر آورده گردد تا ابتدائاً درحوزه رضایت فرد برای انتقال اعضا مبحث روشن گردد، بر این اساس، انتقال قهری و جبری

روشن شده و موضوع به نحو بارزتری تبیین می گردد . درمورد انتقال و خرید و فروش اعضاء بدن دو دیدگاه موجود است که ذیلاً به شرح آنها می پردازیم . استدلال‌های گروه اول برای عدم جواز خرید و فروش اعضاء بدن بدین شرح است:

اولاً مالک حقیقی بودن خداست برخی معتقدند از آیاتی نظیر " قل اللهم مالک الملک تؤتی الملک من تشاء و تنزع الملک ممن تشاء"^۱ یعنی : بگو بار الها! مالک حکومتها تویی، به هر کس بخواهی، حکومت می‌بخشی و " قل لمن ما

^۱ - سوره ی مبارکه ی آل عمران(۳)، آیه ۲۶.

فی السموات و الارض، قل الله "۱ یعنی بگو از آن کیست آنچه در آسمانها و زمین است بگو برای خدا است ؛ چنین برمی آید که مالک مطلق خداست و بدون اذن مالک حقیقی، انسان حق تصرف در جسم خود را ندارد.^۲ در واقع به باور این عده، مالک حقیقی خداست و انسان فقط امین جسد خویش است نه مالک آن، از اینرو مجاز به تصرف نیست. بنابراین نظر رضایت شخص صاحب اعضا در این انتقال تاثیری ندارد ،

^۱ - سوره ی مبارکه ی انعام (۶)، آیه ۱۲.

^۲ - سنبهلی، محمد برهان الدین؛ حکم الشریعه الاسلامیه فی زرع الاعضاء

الانسانیه، البعث الاسلامی، ۱۴۰۷ق، ج ۲۲، شماره ۲.

لذا قاچاق این اعضا به طریق اولی موجب حرمت و مسئولیت خواهد شد و در این باب مجاری حقوق الله جاری می گردد. برخی اعتبار مملو کیت مبیع را در خرید و فروش معتبر دانسته و گفته اند که : مبیع باید مملوک فروشنده باشد؛ ولی اعضاء انسان ملک به حساب نمی آید و نمی توان آنها را مورد معامله قرار داد و در مقابل آنها پول گرفت، زیرا که اکل مال به باطل است. بنابراین در شق دوم قضیه ، یعنی پس از ربایش اعضا و یا اخذ با رضایت آنها در هنگامه ی فروش اعضای قاچاق شده ، به دلیل مبیع نبودن عضو انسان چنین معامله ای باطل بوده و مورد نهی قانونگذار است . برخی معتقدند

اعضای بدن انسان پس از جدائی میته است: میته
در لغت و متون فقهی سه کاربرد دارد:

- صفتی است برای موت، درمقابل حیات؛
- موجودی که به مرگ طبیعی می‌میرد، در
مقابل آنچه که کشته شده است؛

- حیوانی که به روش شرعی ذبح نشده است.^۱
دربرخی از روایات نیز بر عضو جدا شده از
انسان میته، اطلاق شده است.^۲ دلایل بطلان خرید
و فروش میته آیه کریمه است که می‌فرماید:

^۱ - حکیم، سید محسن، متمسک العروه الوثقی، بیروت، دار احیاء التراث
العربی، بی تا، ج ۱، ص ۳۲۲.

^۲ - طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الاحکام، تصحیح آخوندی، بی جا،
دارالکتب الاسلامیه، بی تا، ج ۹، ص ۷۹، شماره ۳۳۹.

"حرمت علیکم الميته و الدم و لحم الخنزیر"^۱
به معنی گوشت مردار و خون و گوشت خوک بر
شما حرام است. برای اثبات بطلان خرید و
فروش میت به اجماع موجود در سخنان برخی
اصحاب متقدم و متأخر^۲، نیز تمسک شده است.
عده‌ای علت حرمت را نصوص خاص دانسته‌اند
که در آنها ثمن میت «سحت» معرفی شده است^۳
و چنین استدلال کرده‌اند: «این روایات گرچه به
میت اختصاص دارند ولی از آنها حرمت فروش

^۱ - سوره ی مبارکه ی مائده ، آیه ۹ .

^۲ - حلی، حسن بن یوسف؛ تذکره الفقها، بی جا؛ انتشارات رضوی، بی تا،
ج ۱، ص ۴۶۴.

^۳ - حر عاملی، محمد بن حسن؛ وسائل الشیعه، قم، موسسه آل البیت لاحیاء
التراث العربی، ۱۴۱۶ ق، چ سوم، ج ۱۷، ص ۹۲، احادیث ۱ و ۱۷.

اعضاء میتة نیز استفاده می گردد؛ و اخذ عوض در مقابل جسد منع شده است و متصل بودن به جسد دخالتی ندارد.^۱ و «مقتضای این اطلاق آنست که بین انسان و غیر انسان نیز تفاوتی نیست، در نتیجه در مقابل عضوی که از میت جدا شد، نمی توان عوض اخذ کرد.»^۲

علاوه بر این طبق روایات فراوانی، عضو جدا شده از زنده نیز میت تلقی می شود طبق این مبنا در برداشت عضو از زنده ها نیز نمی توان قیمت

^۱ - روحانی، سید محمد صادق؛ المسائل المستحدثة، تهران، موسسه فرهنگی - انتشاراتی حیان، بی جا، چ اول، ۱۳۷۶، ص ۱۲۳.

^۲ - دفتر تبلیغات اسلامی؛ مسائل مستحدثة پزشکی ۱، ص ۱۲۴.